



۲۰۱۶/۱۲/۰۱

داکتر محمدآجان مرزی

## نقش زنان در رشد اقتصاد ملی کشور های عقب مانده

### مقدمه

زنان در کشور های عقب مانده (کمترین انکشاف یافته LDC) با مشکلات زیاد ناشی از عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی سردچار بوده، از حقوق خیلی کم در مقایسه با مردان برخوردار اند، در زندگی خانوادگی با خوشونت های گوناگون از جانب مردها چون تجاوز جنسی و غیره مواجه بوده ، در قوانین مدنی این کشور ها تقریباً هیچگونه حقوق ندارند. سوال اینجاست که آیا نقش و مقام زن در جوامع عقب مانده نتیجه و یا دلیل عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی این کشور ها است؟ من درین نوشته ام کوشش خواهم نمود تا به این سوال اساسی از نقطه نظر اقتصادی تا حدی جوابی را دریابم. به این ارتباط باید تا حدی ساختار اقتصادی کشور های عقب مانده تحلیل گردیده و از آن جهت توضیح نقش زنان در رشد اقتصاد ملی این کشور ها نتیجه گیری های لازم استنباط گردند.

### وضع کنونی زنان در جوامع عقب مانده

زنان در حال حاضر به خصوص در کشور های عقب مانده با مشکلات زیاد موجه اند که باعث میگردند تا محدودیت ها در برابر سهمگیری زنان در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع ایجاد گردند. یکی ازین مشکلات موجودیت خلای جنسی درین کشور هاست. به عبارت دیگر تفاوت بین زن و مرد در ساحات مختلف چون تعلیم و تربیه، فعالیت های اقتصادی و سیاسی، حقوق مدنی و غیره هنوز هم زیاد اند که از یک سو در نتیجه عقب مانی در ساحات مختلف به میان می آیند و از جانب دیگر از رشد سریع اقتصاد ملی کشور ها جلوگیری مینمایند. خلای جنسی میان مرد و زن در اکثر حالات دلیل خوشونت ها به اشکال مختلف در برابر این قشر جامعه میباشد.

این خوشونت ها در برابر زن در جامعه منحیث یک حق عمومی قبول شده برای مرد ها تلقی میگردد. بدین معنی که در بسیاری حالات مرد ها در صورت انجام خوشونت جسمانی در برابر زنان مورد تعقیب قانون قرار نگرفته و این عمل با دلایل مذهبی و رسومی نیز مستدل میگردد. «سازمان جهانی صحت (WHO) خوشونت در مقابل زنان را منحیث یکی از بزرگترین خطرات صحتی در برابر زنان در سراسر جهان قلمداد میکند.» (زنان علیه خوشونت، ۲۰۰۴).

شکل دیگر خوشونت خاصاً در جوامع عقب مانده در برابر زنان خوشونت جنسی است. زنان با تهدید تجاوز جنسی تحت تاثیر فشار روانی درآورده شده و اراده شان جهت درخواست حقوق شان سلب گردیده، توان مبارزه در برابر نابرابری ها را از دست میدهند.

خوشونت مادی در برابر زن یک شکل دیگر ستم از جانب مرد میباشد. در کشور های عقب مانده به زن در زندگی اقتصادی هیچگونه سهم داده نشده و مکلف اند تا برای مرد کار بدون دستمزد را انجام دهد. به طور مثال کار رایگان زنان در مزارع بسیاری از کشور ها. این کشور ها در نتیجه از یکی از منابع مهم قوای بشری استفاده خیلی ناچیز را به عمل می آورند. به این ترتیب سهم زنان در رشد و انکشاف اقتصاد ملی این کشور ها خیلی ناچیز است. از نظر من با رفع خلای جنسی میتوان منابع اضافی را جهت رشد اقتصاد ملی مهیا نموده و از آن استفاده نمود.

در برابر زنان اولتر از همه در کشور های عقب مانده خوشونت ایدیولوژیکی هم موجود است، یعنی نظر مربوط به برتری مرد نسبت به زن و به این ترتیب فرمانبرداری زن از مرد که با مقررات معین مذهبی، عنعنوی و اجتماعی در عمل پیاده میگردند.

زراعت در کشور های عقب مانده یکی از منابع مهم عواید ملی بوده، رشد و انکشاف اقتصاد ملی تا حد زیاد به ارتقای مؤلدیت کار درین ساحه بستگی دارد. با بلند رفتن سطح تولید درین سکتور از یکطرف معضله کمبودی مواد غذائی ها حل شده میتواند و از جانب دیگرکشور ها به این ترتیب عواید اضافی را جهت سرمایه گذاری در صنایع بدست آورده، راه جهت میکانیزه شدن زراعت باز شده، وابستگی سطح تولیدات زراعتی به وضع آب و هوا کم گردیده، حجم و سطح تولید درین سکتور قابلیت پلان شدن را بدست می آرند. اما سهم زنان درین سکتور حیاتی برای اقتصاد ملی در کشور های عقب مانده بنابر دلایل ایکه در فوق تذکر داده شدند نسبتاً کم است. در رابطه با ارتقای سهم زنان در امور اقتصادی

د پانو شمیره: له 1 تر5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

و سایر ساحات که با همدیگر ارتباط متقابل دارند باید از جانب حکومت مربوطه اقدامات لازم طی دست گرفته شوند. این خواست نه تنها یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی است بلکه در عین حال یکی از اجزای مهم حقوق بشر نیز میباشد (نهاد زنان سازمان ملل متحد Women Watch، ۲۰۱۳). زنان در کشور های عقب مانده در حدود پنجاه درصد قوای کار را در سکتور زراعت تشکیل میدهند (UNCTAD، ۲۰۱۵). اما مؤلدیت زن بنابر دلایل گوناگون اقتصادی و اجتماعی، که در بخش های بعدی این نوشته توضیح خواهند شد، در مقایسه با مرد کمتر است.

سهم زنان در تولیدات زراعتی کشور های عقب مانده در سالهای اخیر رو به افزایش بوده و در تغذیه خانواده نقش مهم را بازی میکند. زنان درین کشور ها میتوانند در دهات و محلات با عرضه محصولات شان به بازار منحصبت هم فعالیت نمایند. اما در برابر دسترسی شان به بازار فروش، قرضه های تولیدی و بازار کار در مجموع محدودیت ها موجود اند که از نقش این بخش جامعه در بلند بردن سطح تولید جلوگیری میکنند. به این ترتیب درین کشور ها یک بخش اعظم نیروی کار در کار مؤلد سهم نداشته و در نتیجه رشد اقتصادی جامعه را متاثر میسازد.

زنان در کشور های عقب مانده مجبور اند که هم در خانه و هم در مزارع کار کنند. به عبارت دیگر از یکسو مصروف کار مؤلد و از جانب دیگر مشغول کارهای مواظبتی در چهارچوب خانواده هستند. به این ترتیب زن درین کشور ها در مقایسه با مرد کار بیشتر نموده و اما در فعالیت های ایجاد کننده عواید برای خانواده نقش کمتر را بازی میکنند. در عین حال کار بیش از حد و عدم موجودیت تقسیم کار در چهارچوب خانواده باعث کاهش توانمندی کار و به این ترتیب مؤلدیت کار زنان میگردد. در کشور های عقب مانده آفریقا ۱۷،۵٪ نیروی کار مذکر و ۳۹،۷٪ نیروی کار مؤلدت در چهارچوب خانواده میباشدند. این رقم در کشور های عقب مانده آسیائی ۱۲،۵٪ مرد و ۴۵،۲٪ زن هستند. در عین حال در کشور های عقب مانده آفریقا در مقایسه با زنان بیشتر از دو برابر مردها مشغول کار در بدل مزد میباشدند. تعداد کارگران مذکر زراعتی در کشور های عقب مانده آسیائی ۳۰٪ بیشتر از تعداد زنان است (UNCTAD، ۲۰۱۵ الف، ص ۱۱۵).

در سایر سکتور های اقتصادی کشور های عقب مانده چون سکتور های صنعتی و ساختمانی بنابر محدودیت ها در برابر زنان امکانات مشغولیت مردها نسبت به زنان بیشتر است. به اساس تحلیل اقتصادی کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد دلایل ذیل از نقش بیشتر زنان در رشد و انکشاف دهاتی، که اساس را برای رشد صنایع ایجاد نموده میتواند، جلوگیری مینمایند:

#### **تفاوت در دارائی های زراعتی (زمین و مواشی)**

در اکثر کشور های عقب مانده زنان تا حد زیاد از مالکیت بر زمین و مواشی محروم میباشدند. درین قسمت در قدم نخست ساختار اجتماعی جامعه باعث شده است که زن نتواند دارائی داشته باشد. زن از بدست آوردن میراث مستثنی بوده و نقش اش در خانواده امکانات تراکم دارائی را از وی سلب مینماید. در قانون اساسی بسیاری از کشور های عقب مانده تساوی حقوق بین زن و مرد درج گردیده است اما در عین حال موجودیت رسوم و عادات عنعنوی ای که از ساختار های مردسالاری ناشی میگرددند تطبیق این حقوق را ناممکن میسازند.

در نتیجه زن نمیتواند با استفاده از نیروی کار اش مؤلدیت کار اشرا از دیاد بخشد تا بتواند اضافه تر از نیازمندی خود و خانواده اش تولید نموده و محصولات اضافی را به بازار عرضه کند. عدم موجودیت و یا سطح خیلی پائین تولید مازاد و به این ترتیب سطح پائین امکانات پس انداز در کشور های عقب مانده یکی از مشکلات عمده اقتصادی بوده و مانع رشد و انکشاف اقتصاد ملی میگردد. درین کشورها سطح دارائی های زراعتی زنان در تناسب با مردان از ۳ الی ۳۳ درصد میباشد. سطح دارائی های زراعتی زنان به خصوص در کشور های آفریقائی خیلی پائین است (UNCTAD، ۲۰۱۵ ب، ص ۱۲۰).

#### **تعلیم و تربیه و بیسوادی**

تعلیم و تربیه یکی از شاخص های فرعی عمده شاخص رشد بشری میباشد. در کشور های عقب مانده سطح رشد تعلیم و تربیه خیلی پائین است. « به هر اندازه ای که در یک اقتصاد ملی سطح تعلیم و تربیه و تعلیمات فنی و مسلکی رشد یابد به همان اندازه مؤثریت کار افراد مشغول در فعالیت های اقتصادی از دیاد می یابد. این مساله همراه با سایر عوامل باعث رشد مؤلدیت کار، بلند رفتن کیفیت محصولات و خدمات تولید شده و هم باعث پائین آمدن سطح قیم میگردد. بدین ترتیب تقاضای مجموعی در اقتصاد ملی از یک سو از سبب بلند رفتن سطح استخدام و از جانب دیگر بنابر پائین آمدن سطح قیم رشد مینماید. بلند رفتن تقاضا به کالا ها و خدمات تولید شده به معنی بلند رفتن سطح عایدات مردم هم میباشد.» (مرزی، ۲۰۱۵).

در کشور های عقب مانده سطح تحصیل زنان در مقایسه با مردان پائین است. درین کشور ها حد متوسط سالها ای که اطفال به مکتب میروند در سال ۲۰۱۲ میلادی ۹،۴ سال بود. در کشور های مذکور نفوس مؤنث در سال ۲۰۱۲ میلادی به طور متوسط در حدود ۸ سال به مکتب میرفتند. باید گفت که به این ارتباط در کشور های مختلف تفاوت های زیاد

موجود اند. در همین سال در کشور های دارنده سطح پائین رشد تعداد اطفال ایکه از رفتن به مکتب محروم بودند به ۱۰،۵ میلیون طفل مذکر و ۱۳،۳ میلیون طفل مؤنث بالغ میگردید (UNESCO، ۲۰۱۵).

این معضله هم دلایل اقتصادی و هم عوامل اجتماعی دارد. طوریکه قبلاً تذکر داده شد زنان در کشور های عقب مانده در ضمن کار در بیرون از خانه تقریباً تمام کار در خانه را نیز به دوش داشته و برای تعلیم و تحصیلات فنی و مسلکی وقت کافی ندارند. ساختار های اجتماعی جوامع متکی به اصول مردسالاری باعث محرومیت زنان از تعلیم و تربیه گردیده، در مورد شان گفته هائی چون ناقص العقل و غیره به کار برده میشوند. محرومیت زنان از تعلیم و تربیه موقف شانرا در تولید در برابر مرد ها ضعیف میسازد، به معلومات کافی در مورد تولید و بازار دسترسی نداشته و بدین ترتیب در امور اقتصادی با مرد ها رقابت نموده نمیتوانند.

#### دسترسی به مواد و به بازار

زنان در کشور های عقب مانده بنابر نداشتن مالکیت بر زمین و یا مواشی و همچنان سطح پائین تعلیم و تربیه به بدست آوردن وسایل اولیه و یا کمکی تولید، حصول قرضه های تولیدی و همچنان از سبب مصروفیت بیش از حد در امور خانه به بازار دسترسی کم دارند. این موضوع به نوبه خود باعث کاهش کار مؤلذ زنان در اقتصاد ملی گردیده و به این ترتیب تعداد محدود زنان متشبت تا حد زیاد قرضه های محدود اخذ شده را نیز پس پرداخت نموده نمیتوانند. دلیل این مشکل سطح پائین سواد بوده و زنان در فعالیت زراعتی همانند مرد ها از مواد اولیه بهتر چون تخم اصلاح شده و غیره استفاده نموده و در نتیجه از قرضه ها و وسایل مالی داست داشته استفاده اعظمی اقتصادی را نموده نمیتوانند.

#### تفاوت در مؤلدیت روستانی

عوامل ایکه در بالا تذکر داده شدند باعث کاهش مؤلدیت کار زنان در مقایسه با مرد ها میگردد. اما در جوامع مرد سالاری بدون توجه به این عوامل و سایر محدودیت های ایکه در برابر زنان قرار دارند به زنان منحیث جنس دارنده نیروی کم هم از نگاه فزیک و هم از نگاه فکری دیده میشود. این طرز تفکر کاملاً نادرست بوده، بر واقعیت ها استوار نبوده، اقتصاد ملی را در مجموع تضعیف مینماید. روشن است که با تضعیف اقتصاد ملی عواید ملی و در نتیجه عواید خانواده ها به شمول عواید مرد ها کم میگردند.

#### زنان در جامعه و اقتصاد افغانستان

وضعیت زنان در افغانستان نیز همانند سایر کشور های عقب مانده نامطلوب است. خرابی این وضعیت در همه ساحات زندگی اقتصادی و اجتماعی محسوس میباشد. « ۵،۸ در صد زنان بالغ دارنده تحصیلات متوسطه و یا عالی میباشد. این رقم در مورد مرد ها به ۳۴ در صد بالغ میگردد (گذارش رشد بشری، ۲۰۱۳). بر مبنای یک ارزیابی مجله نیوز ویک افغانستان در سال ۲۰۱۱ در قسمت تدارک امکانات برای زنان در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی از جمله ۱۶۵ کشور مقام ۱۶۴ را داشت. درین ارزیابی ساحت مختلف چون حقوق، امور صحی، تعلیم و تربیه، اقتصاد و سیاست در نظر گرفته شده بودند.

عروسی در سن پائینتر از بلوغ یکی از مشکلات عمده زنان کشور میباشد. بیشتر از ۵۰٪ زنان در سن در حدود دوازده سال یا نامزد میگردند و یا به عروسی مجبور میشوند. این چنین عروسی ها از جانب محاکم حقوقی نیز تعقیب نگردیده و حتی قانونی پنداشته میشوند. « نسیمه در سال ۲۰۰۱ در فاریاب به سن ۹ سالگی با یک مرد ۷۰ ساله عقد نکاح گردید. وی از آن مدت به بعد حیثیت نوکر این مرد را داشت. زمانیکه ۱۶ ساله شد درخواست طلاق را از وی نمود. محکمه دعوای اشرا به دلیل اینکه نکاح اش در سن ۹ سالگی قانونی بوده است رد نمود. تیم کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در اوایل سال ۲۰۰۷ خواستار مرافعه گردید اما محکمه مدنی تا هنوز در مورد جدائی اش از شوهر تصمیم نگرفته است» (انوری، زیسمند، نرلند، ۲۰۰۹).

قسمت اعظم عروسی ها به خصوص در مناطق دهاتی شکل اجباری را دارا میباشد. زن در خانواده ها منحیث بار دوش خانواده تلقی شده و در بسیاری حالات از ترس خشونت های جنسی در برابر شان به عروسی در سنن پائین از سن قانونی مجبور میگردند. این شرایط باعث میگردند که سطح تعلیم و تحصیل زنان پائین بوده و به این ترتیب از اشتراک در زندگی اقتصادی و سیاسی در جامعه محروم گردند. در ضمن خطر مرگ این زنان در زمان زایمان نیز بلند است (سازمان کمکی اعتماد به تعلیم و تربیه Trust in Education، ۲۰۱۶).

زنان در افغانستان از طریق بدل و هم برطرف نمودن منازغات بین فامیل ها نیز به عروسی بدون خواست و پیش از وقت مجبور گردیده و در نتیجه منحیث دارائی شخصی فامیل و یا مرد تلقی میگردند. از جانب دیگر تعداد زیاد زنان

کشور در نتیجه جنگ که از چهار دهه بدین سو جریان دارد بیوه بوده و بنا به داشتن تحصیلات مسلکی و حرفوی با غربت مطلق مواجه میباشند. این عوامل وابستگی اقتصادی زنان را به مرد ها بیشتر میسازد. حقوق زنان بعد از سال ۲۰۰۲ در نتیجه فشار مالی و سیاسی کشور های کمک کننده به افغانستان از نگاه حقوقی بهبود یافته است؛ بطور مثال درج تساوی حقوق زن و مرد در ماده ۲۲ قانون اساسی کشور، حق میراث و داشتن ملکیت، حق گرفتن طلاق، تعیین سن حد اقل برای ازدواج. اما این حقوق مندرج در منابع مختلف حقوقی تا حد زیاد صرف روی کاغذ باقی مانده و از جانب بسیاری از حلقهات اجتماعی یا مورد قبول قرار نمیگیرند و یا هم از جانب ادارات حقوقی در عمل پیاده نمیگردند. به خصوص عدم تطبیق حق میراث برای زنان در برابر مالکیت زنان محدودیت های جدی را ایجاد نموده و آنها را از سهمگیری فعال در امور اقتصادی محروم میسازد (هوزیاینووا، ۲۰۱۴).

## نتیجه گیری

بین موقف اجتماعی و بدین ترتیب سهمگیری فعال زنان در جامعه و رشد اقتصاد ملی ارتباط مستقیم و ناگسستگی موجود بوده و بالای همدیگر تاثیرات متقابل را وارد می آورند. با رشد عواید زنان منحصیث مستهلکین و همچنان مؤلدين عواید ملی در مجموع رشد نموده، تقاضای مجموعی داخلی به اشیا و خدمات از دیاد نموده و به این ترتیب تولید رشد نموده و در نتیجه در مجموع به رشد اقتصاد ملی می انجامد. اما برای رسیدن به این هدف باید در قدم نخست تفاوت های اجتماعی بین موقف زن و مر از بین برده شود. این نکته یکی از عوامل عدم اشتراک زنان در تصمیم گیری سیاسی اقتصادی و اجتماعی بوده و باعث میگردد که زنان در رشد اقتصادی کشور ها سهم خیلی ناچیز را ایفا نموده و نیروی شان تا حد زیاد، طوریکه در بالا نیز تذکر داده شد، به حدر رفته و یا به کار های غیرمؤلد سوق گردد. به این ارتباط نقش حکومت در طرحریزی سیاست های مربوط به ارتقای نقش زنان در جامعه تعیین کننده است. بدون تامین تساوی اشتراک زن و مرد در امور اقتصادی و اجتماعی رشد اقتصاد ناممکن است (UNDP، 2016).

در سالهای اخیر در جهان در مجموع و بالخصوص در کشور های در حال رشد و عقب مانده منجمله افغانستان در حقوق و سهمگیری زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تغییرات زیاد رونما گردیده اند. اما این پیشرفت ها هنوز کافی نمیباشند. با توجه به شاخص عدم تساوی جنس (Gender Inequality Index – GII) که بر مبنای صحت بازتولیدی چون تناسب مرگ زنان در زمان زایمان و زایمان در سن نابالغ، سهم گیری زنان در قدرت سیاسی از طریق پارلمان، سهم گیری زنان بالغ در تعلیمات ثانوی و در بازار کار سنجش میگردد، هنوز هم تعداد زیاد زنان در کشور های عقب مانده به شمول افغانستان با مشکلات فوق الذکر مواجه اند.

همراه با تحقق خواست های فوق الذکر در مورد از بین بردن خلای جنسی در جوامع نقش زنان در جامعه منحصیث نیروی کار بهبود یافته و به این ترتیب رشد سریع اقتصاد ملی تحقق یافته میتواند. با استفاده هرچه بیشتر از نیروی کار زن در اقتصاد ملی ترکیب مصرف در خانواده نیز تغییر یافته و سهم مصرف برای مواظبت از اطفال منحصیث نیروی کار آینده جامعه از دیاد می یابد. تغییر ترکیب مصرف خانواده به نفع اطفال موضوع مرگ و میر اطفال را در زمان تولد و بعد از آن کاهش داده، پلانگذاری بهتر امور خانوادگی را باعث گردیده و در نتیجه به رشد اقتصاد ملی انجامیده میتواند.

## منابع

- ۱- زنان علیه خشونت، ارقام و حقایق، ۲۰۰۴ (Frauen gegen Gewalt – Zahlen und Fakten) (در خط)، اینجا ببینید: <https://www.frauen-gegen-gewalt.de/gewalt-gegen-frauen-zahlen-und-fakten.html> (تاریخ دسترسی: ۲۷/۰۹/۲۰۱۶)
- ۲- نهاد زنان سازمان ملل متحد، زنان و اقتصاد، ۲۰۱۳ (Women and Economy) (در خط)، اینجا ببینید: [http://www.un.org/womenwatch/directory/women\\_and\\_the\\_economy\\_3006.htm](http://www.un.org/womenwatch/directory/women_and_the_economy_3006.htm) (تاریخ دسترسی: ۲۷/۰۹/۲۰۱۶)
- ۳- کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد، گزارش کشور های کمترین رشد یافته، ۲۰۱۵ (The Least Developed Countries Report 2015) (در خط)، اینجا ببینید: [http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/ldc2015\\_en.pdf](http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/ldc2015_en.pdf)

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولی

(تاریخ دسترسی: ۲۷/۰۹/۲۰۱۶)

۴- م. مرزی، حالت کنونی اقتصاد ملی افغانستان، روزنامه اقتصادی همیانی، ۲۰۱۴.

۵- یونسکو، انستیتوت احصائیه، تعلیم و تربیه در کشور های کمترین انکشاف یافته، ۲۰۱۵ (Education in Least Developed Countries (LDCs))  
(در خط)، اینجا ببینید:

[https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/7780Education\\_in\\_LDCs\\_OL\\_final.pdf](https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/7780Education_in_LDCs_OL_final.pdf)

(تاریخ دسترسی: ۲۷/۰۹/۲۰۱۶)

۶- پروگرام انکشافی ملل متحد، راپور رشد بشری، ۲۰۱۳ (UNDP -Human Development Report 2013)

(در خط)، اینجا ببینید:  
[http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/14/hdr2013\\_en\\_complete.pdf](http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/14/hdr2013_en_complete.pdf)

(تاریخ دسترسی: ۲۴/۱۰/۲۰۱۶)

۷- سازمان کمکی اعتماد به تعلیم و تربیه، زندگی به مثابه زن افغان، ۲۰۱۶ (Trust in Education: Life as an Afghan Woman, 2016)

(در خط)، اینجا ببینید:  
<http://www.trustededucation.org/resources/life-as-an-afghan-woman>

(تاریخ دسترسی: ۲۴/۱۰/۲۰۱۶)

۸- انستازیا هوزیاینوو، انستیتوت صلح اضلاع متحده، شریعت و حقوق زنان در افغانستان، ۲۰۱۴ (Sharia and Women's Rights in Afghanistan, 2014)

(در خط)، اینجا ببینید:

[https://www.usip.org/sites/default/files/SR347-Sharia\\_and\\_Women%E2%80%99s\\_Rights\\_in\\_Afghanistan.pdf](https://www.usip.org/sites/default/files/SR347-Sharia_and_Women%E2%80%99s_Rights_in_Afghanistan.pdf)

(تاریخ دسترسی: ۲۴/۱۰/۲۰۱۶)

۹- هنگامه انوری، چشمک فرهمند زیمسند، کریستا نرلند، انستیتوت شمال جنوب، ارزیابی دسترسی زن و مرد به حقوق در افغانستان، ۲۰۰۹ (Assessing Gendered Access to Justice in Afghanistan, 2009)

(در خط)، اینجا ببینید:

<http://www.nsi-ins.ca/wp-content/uploads/2012/10/2009-Assessing-Gendered-Access-to-Justice-in-Afghanistan.pdf>

(تاریخ دسترسی: ۲۴/۱۰/۲۰۱۶)

۱۰- پروگرام انکشافی ملل متحد، گذارشات رشد بشری، شاخص عدم تساوی جنس ۲۰۰۹،

(UNDP Human Development Reports, Gender Inequality Index (GII), 2016)

(در خط)، اینجا ببینید:

<http://hdr.undp.org/en/content/gender-inequality-index-gii>

(تاریخ دسترسی: ۲۴/۱۰/۲۰۱۶)

پایان

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ